



چهره‌هایی به خانه بازگشتند

افراد مشهور بسیاری که مهاجرت کردند، به ایران بازگشتند

۱۸

• پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۲۷ شوال ۱۴۴۴ • سال سی و یکم • شماره ۸۷۷۴

همیشه برای اجتماعی



عکس: هشتپوری/انجام غمخواری

چمدان‌هایی برای بازگشت

بسیاری از مهاجرت‌ها با شکست مواجه می‌شوند ولی مهاجران شکست خورده به وطن باز نمی‌گردند

گزارش	رایحه تیموری
	<i>روزنامه‌نگار</i>

در میان کسانی که به دنبال رُوْیای زندگی آسوده و بی‌دردسر، جلای وطن می‌کنند و به مقصد کشورهای

دور و نزدیک بار سفری بی‌بازگشت را می‌بندند، عده‌ای وجود دارند که حسابشان از سایر مهاجران جداست. این افراد به امید رسیدن به ایده‌آل‌های ذهنی خود دار و ندار و همه سرما به مادی و معنوی زندگی خود را در مشت‌شنان می‌گیرند و با تحمل مشقات فراوان به کشورهای می‌روند که به باور

آنها مدینه فاضله و سرزمین آرزوهاست، اما پس از مهاجرت به مقاصد و اهداف سفر خود دست پیدا نمی‌کنند و بعد از مدتی همه خواسته‌ها و آینده خود را نقش بر آب می‌بینند. ایسن افراد معمولاً بر سر دوراهی ماندن در غربت و بازگشت به وطن قراز می‌گیرند، ولی به دلایلی، ماندن بی‌فرجام در کشور

غریب را به برگشتن به دامان وطن ترجیح می‌دهند. در نوشتار زیر و در گفت‌وگو با اصغر مهاجری (جامعه‌شناس)، شهلا کاظمی‌پور (جمعیت‌شناس) و حسین میرزایی (مردم‌شناس) به بیان این دلایل پرداخته ایم و ابعاد مختلف مهاجرت‌های شکست خورده را بررسی کرده‌ایم.

تقدم عوامل اجتماعی و فرهنگی

اصغر مهاجری، جامعه‌شناس، استاد دانشگاه عوامل اجتماعی و فرهنگی را از مهم‌ترین دلایل مهاجرت اغلب مهاجران عنوان می‌کند و می‌گوید: «در موضوع مهاجرت، قاعده و فرمول شگافی وجود دارد که براساس تجربیات زیستی مهاجران به‌دست آمده است. در این قاعده در توضیح دلایل مهاجرت افراد، دلایل اقتصادی نسبت به عوامل فرهنگی و اجتماعی از اهمیت کمتری برخوردار است.» در بین بعضی از مهاجران اگر میزان موفقیت و رضایتمندی شخصی را با ملاک‌های اقتصادی و مادی بسنجیم، فرد مهاجر به اهدافش دست پیدا نکرده و شکست خورده محسوب می‌شود، اما اگر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مورد علاقه او را نیز در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که فرد با وجود اینکه از نظر اقتصادی و مادی شرایط مناسبی به‌دست نیاورده، از نظر روانی از مهاجرت خود احساس نامطلوبی ندارد و به همین دلیل ترجیح می‌دهد در کشور مقصد به‌عنوان مهاجر به زندگی خود ادامه دهد.»

انتخاب بین ۲ تحقیر

میرزایی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی ادامه می‌دهد: «چون پرورسه مهاجرت زمان‌بر و پرهزینه است و فرد با تحمل هزینه مادی و معنوی زیادی توانسته خود را به کشور مقصد برساند، بازگشتش به معنای شکست در پروژه مهاجرت محسوب می‌شود. این فرد اگر برگردد و در کشور میزبان بماند باید وضعیت آنجا را تحمل کند و با نوع دیگری از تحقیر یعنی تحقیر در مقصد مواجه شود. در این نوع از تحقیر فرد در کشور میزبان حتی از همان امکانات مادی و شرایط روانی که در وطن داشته، محروم می‌ماند و در شرایط نامطلوبی زندگی در غربت را می‌گذراند. فردی که در مقصد با به هم خوردن تصاویر ذهنی خود مواجه می‌شود در مقابل ۲ نوع تحقیر قرار می‌گیرد که باید بین این دو انتخاب کند، معمولاً گزینه اول را برمی‌گزیند؛ یعنی ترجیح می‌دهد در مقصد بماند. چون با هزینه بالا مجبور به مهاجرت شده و حاضر نیست برگردد و از صفر یا زیر صفر در کشور مبدأ یعنی ایران شروع کند؛ به همین دلیل در این موارد کمتر مهاجرت معکوس را می‌بینیم.»

واقعیت ترسیم نمی‌شود

میرزایی همچنین اشاره می‌کند: «اگر واقع‌بینانه به موضوع مهاجرت نگاه کنیم باید ببینیم که مقاصد مهاجرت پرچاینه از جهاتی از ما جلوتر هستند و در جنبه‌هایی هم دچار مشکل و نقصاند؛ یعنی ما با مهاجرت به امکاناتی دست پیدا می‌کنیم و امکاناتی را از دست می‌دهیم، اما از نظر قدرت رسانه‌ای



مهاجرت با اعمال شاقه، بازگشت با حال خوش

روایت آنهایی که باروْیا مهاجرت کردند و با واقعیت به کشور بازگشتند

۲۰

نکته

۱۲ درصد

از استارت‌آپی‌ها، ۳۰درصد از پزشکان و پرستاران از ۱۰درصد از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در پژوهش‌رصدخانه مهاجرت ایرانیان اعلام کرده‌اند قطعه به کشور بازمی‌گردند.

اگر مهاجرت کنیم، دچار افسردگی و مشکل ... خواهیم شد؟ اجازه بدهید ببینیم که دیگران چه می‌گویند...

۱ کاربری در این زمینه نکته طنزگونه‌ای را بیان می‌کند: در کشور خود می‌توانی راحت یک‌ساعت بروی حمام، آب‌بازی کنی، حتی بعدش می‌توانی کلی مواهاجرت را ششوار بکشی؛ لباس‌هایت را اتو کنی و... ولسی در خارج آن‌قدر انرژی‌گران است که باید صبر کنی حسابی کشیف شوی بعد بروی حمام! ششوار و... هم بی‌خیال می‌شوی، چون قبض‌ها سرسام‌آور است. البته کسی تشویق به مصرف بیش از حد نمی‌کند، ولی این هم نکته‌ای است.

۲ یکی از کاربران توییت‌ری هم اشاره می‌کند که ۸سال می‌شود که در هلند است؛ ولی متأسفانه نتوانسته اقامتش را بگیرد و از تمام امکانات آنجا هم محروم بوده است. به گفته خودش، نه جای ماندن دارد، نه روی برگشت به ایران.

۳ توییت دیگر متعلق به کسانی است که می‌گویند دوستش بعد از ۲۶سال زندگی در آلمان و داشتن پاسپورت آلمانی، آمده و بازنثیه پدری در کج یک آپارتمان خریده است. اما چرا؟ چون معتقد است که اوضاع آنجا جوری است که ممکن است یک‌دفعه بگویند مهاجران جوان بمانند و مهاجران پیر برگردند! ضمن اینکه زندگی در آنجا بسا تصورات مایخی متفاوت است؛ به‌خصوص در اروپا.

۴ کاربری دیگر گوشزد کرده که مهاجرت پدرش را درآورده و گرسنگی کشیده و هزار جور آدم را در این روزها شناخته است. ظاهراً که وضعیت به‌گونه‌ای بوده که حتی ناچار شده در مسجد بخوابد و کرونا بگیرد و کسی هم نباشد که بخواهد او را به بیمارستان برساند. کلی سختی دیگر از سر تنهایی و نابلدی هم کشیده است. هر چند معتقد است که می‌گذرد و توقع نداشته که آسان باشد؛ ولی جاهایی کار برایش چنان به تنگنا رسیده که حتی پشیمان هم شده است.

۵ روایت یک کاربر دیگر از مهاجرت البته خیلی غم‌انگیزتر است: اینجا نشسته‌ایم

گوشه فرودگاه؛ دستم توی دست پدرم است، من بابسا بغض دارم، مسافرم نیز در گوشم آواز می‌خواند. حالا از این عکس ۱۳سال گذشته؛ من به میزان ۱۵۰۰نفر در سال ۲۰۲۰رسیده و در بخش متخصصان و فارغ‌التحصیلان، افزایش مهاجرت معکوس به ایران دیده می‌شود.

۶ یکی از کاربران در پاسخ به کاربری دیگر که پرسیده بود نخستین شوک بزرگ بعد از مهاجرت به شما چی بوده؟ نوشته است: اینکه ترجیح‌است پایین باشد و یا به در و دیوار نگاه کنی، و گرنه به آنها برمی‌خورد... کلا حساسند به

اینکه یک لحظه با آنها چشم‌توچشم شوی! کاربری دیگر توصیه کرده که مهاجرت کنید، ولی بدانید که تنهایی و دوری از خانواده پدرتان را درمی‌آورد و اینجا برای کسی

نریخته‌اند و باید کلی زحمت بکشید تا به چیزهایی که می‌خواهید برسید؛ هر چند که معتقد است برای او ارزش را داشته است.

۸ کاربری ذکر کرده که بزرگ‌ترین مشکلش بیمه بوده؛ چراکه برایش سخت بود که در سی‌وچندسالگی بخواهد از صفر شروع کرده و به قول خودش تا هزار سالگی کار کند!

۹ کاربری دیگر هم اشاره می‌کند که هنوز ۱۸سالش تمام نشده بود و مهاجرت کرده آن هم از راه سنجش، تنهایی بزرگ‌ترین چالش بوده است و گفته اگر کسی هستی که دل‌تنگ می‌شوی و وابستگی به خاکت داری، نیاید مهاجرت کنی...

یک کاربر هم نوشته: «خیلی سخت است و بدترین سختی هم دوری از خانواده است. مریضی که می‌شوی کسی نیست از تو مراقبت کند و همیشه دل‌تنگ می‌شوی، ولی نمی‌توانی برگردی. اینجا آدم‌ها فرهنگ‌های متفاوتی دارند و برخی آدم‌هائزادپرست هستند که باعث می‌شوند نتوانی با دیگران ارتباط بگیری...» کاربری دیگر گوشزد کرده که ۶هفته‌سال در لوزان سوئیس زندگی کردم، ۶ماه در کلرادوی آمریکا تنهایی وحشتناک، عدم‌ارتباط عمیق با ایرانی‌های آنجا، ارتباط‌های گاه‌تنش‌زا با محدود با خارجی‌های که جز در کار و خرید معنا پیدا نمی‌کند، پایگاه سنجین و جاماندن‌های به نام پدر و مادر در ایران، اینها باعث می‌شوند که بخواهی برگردی و خیلی خوشحالم که برگشتم.

۱۲ کاربر دیگر نوشته‌اند که اشاره کرده است: بلایی که مهاجرت بر سرت می‌آورد چنین است که دیگر هیچ‌جای دنیا برایت خانه نمی‌شود، حتی اگر برگردی به مملکت خود؛ باز هم احساس غربت می‌کنی؛ غم غربت دردی بی‌درمان است...

۱۳ کاربری دیگر می‌نویسد: خیلی‌ها فکر می‌کنند همه چیز گل و بلبل است، ولی خب اینچنین نیست. دل‌تنگی خانواده، اختلاف هزینه‌ها و... هست؛ شوک فرهنگی هم برای انجام‌شده به وطن ایجاد شده‌اند. این آمار را قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان اعلام کرده و از موفقیت برنام‌های

اینجا بهشت نیست...

۱۱۱۱

۱۵۰۰ نفر

میزان جمعیت متخصصان و فارغ‌التحصیلانی است که در سال ۲۰۲۰ به کشور بازگشته‌اند.

۱۱۱۱

۱۰۰ نفر

آمارها نشان می‌دهد

جمعیت بازگشت از تراز ۱۰۰نفر در سال ۲۰۱۵ به میزان ۱۵۰۰نفر در سال ۲۰۲۰رسیده و

در بخش متخصصان و فارغ‌التحصیلان، افزایش مهاجرت معکوس به ایران دیده می‌شود.

۱۱۱۱

۲۰۲۰

رشد مهاجرت معکوس نخبگان در فاصله سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۵ روند صعودی مناسبی داشته است.

۱۱۱۱

۲۷۰۰

نخبه ایرانی‌ها با بزرگ‌ترین‌های انجام‌شده به وطن ایجاد شده‌اند. این آمار را قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان اعلام کرده و از موفقیت برنام‌های اجرانشده خبر داده است.